**جلسه 60-172**

**‌شنبه - 07/11/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در این بود که استقبال قبله در چه چیزهایی شرط هست.

اولین آن فرائض یومیه ادائیه بود که قدر مسلم هست از شرطیت استقبال قبله.

اما قضاء صلات یومیه آن هم باید به طرف قبله باشد. و استدلال شده به روایاتی که مفادش این است که اقض ما فات کما فات. ظاهر آقای خوئی این است که به این روایات استدلال کردند بر این‌که باید قضاء شبیه اداء‌ باشد.

و لکن به نظر ما این استدلال تمام نیست. برای این‌که این روایت اقض ما فات کما فات در مورد سفر و حضر است. صحیحه زراره می‌‌گوید: قلت له رجل فاته صلاة من صلاة السفر فذکرها فی الحضر قال یقضی ما فاته کما فاته ان کانت صلاة السفر اداها فی الحضر مثلها و ان کانت صلاة الحضر فلیقض فی السفر صلاة الحضر کما فاتته. اما یک عمومی داشته باشیم که اقض ما فات کما فات، نخیر این درست نیست. حالا اگر کسی در حال بیماری نمازش فوت شد، ‌باید در حال نشسته نماز می‌‌خواند حالا هم که قضاء می‌‌کند و سالم شده باید بنشیند نماز را قضاء کند؟ یا مردی نماز قضاء زنی را می‌‌خواند، حمد و سوره‌اش را در نماز صبح آهسته بخواند؟ ما همچون چیزی نداریم.

و حتی در شرائط روزه قضاء که بعضی‌ها گفتند هر چه شرط در روزه اداء است اصل اولی این است که در روزه قضاء هم شرط است مثل عدم تعمد بقاء بر جنابت. حالا نص خاص در صوم قضاء فی الجملة داریم بر این‌که روزه قضاء هم نباید در او تعمد بقاء بر جنابت باشد ولی در بعضی از خصوصیات ما دلیل نداریم. مثلا در روزه ماه رمضان داریم که اگر کسی فراموش بکند غسل جنابت را، حتی مضی علیه جمعة‌ او خرج شهر رمضان کله، ‌فراموش بکند غسل جنابت را تا یک جمعه بگذرد یعنی یک هفته بگذرد یا ماه رمضان بگذرد، حضرت فرمود که باید قضاء کند آن صوم را. حالا اختلاف هست، ‌بعضی‌ها مثل آقای زنجانی تعبد کردند بر مفاد نص گفتند اگر یک روز یا دو روز بگذرد بعد متوجه بشوید اشکال ندارد، ‌روایت می‌‌گوید حتی یمضی علیه جمعة او خرج شهر رمضان. بعضی‌ها از آن طرف مثل آقای سیستانی آنقدر الغاء‌ خصوصیت کردند گفتند اگر شب غسل جنابت را فراموش کردید، ‌دو دقیقه بعد از اذان صبح هم متوجه بشوید فایده ندارد. من نسی غسل الجنابة فی شهر رمضان حتی طلع علیه الفجر بطل صومه. مشهور حد وسط را گرفتند، گفتند اگر شب بشود بعد متوجه بشود که غسل جنابت را قبل از اذان صبح امروز فراموش کرده بود روزه آن روز را باید قضاء کند. حالا این در مورد خود صوم اداء هست اما این روایت در مورد صوم قضاء که نیامده است.

بحث در این است که ظاهر کلام بعضی مثل آقای خوئی این است که قضاء تابع اداء‌ است. عرفا وقتی می‌‌گویند یقضی ما فات ظاهرش این است که با همان شرائط که معتبر است در اداء.

این به نظر ما خیلی واضح نیست که شرائط قضاء همان شرائط اداء هست.

بله، ما یک مقدار به نظرمان استظهار عرفی هست، کیفیت قضاء عرفا همان کیفیت اداء‌ است. کیفیت، اگر آن شرائط دخیل باشد در کیفیت فعل، عرفا بگویند کیفیت فعل است مثل صلات الی القبلة [که] کیفیت صلات است. این فرق می‌‌کند با شرائط خارجی، این شرائط داخلی است که به کیفیت نماز تاثیر می‌‌گذارد. منتها آن کیفیت‌های اختیاریه. انصرافش این است که آن کیفیت‌هایی که در حال اختیار شرط است در اداء، باید همان کیفیت‌ها را در قضاء هم رعایت کنید. نیاز نداریم به ما بگوین اقض ما فات کما فات، نه، همین که می‌‌گویند یقضی ما فاته، ‌همین کافی است که ظاهرش این است که کیفیت قضاء شبیه کیفیت اداء باشد. فرق است بین شرائطی که عرفا موجب اختلاف کیفیت عمل می‌‌شود، ‌شرائط اختیاریه را که عرفا موجب اختلاف کیفیت عمل می‌‌شود باید مراعات کرد در قضاء چون ظاهر قضاء این است که شبیه همان فعل را که در وقت باید انجام می‌‌دادی خارج وقت انجام بده، هیچ اختلافی بین کیفیت این فعل که الان انجام می‌‌دهی با آن کیفیت فعلی که در وقت باید انجام می‌‌دادی نیست مگر این‌که این فعل الان خارج وقت است و آن فعل واجب قبلی داخل وقت است.

ما این استظهار را قبول داریم و لذا ظاهر اقض ما فات کما فات این است که اگر در نماز اداء قبله شرط باشد این دخیل در کیفیت نماز است.

[سؤال: ... جواب:] بحث در این است که در حال التفات قضاء می‌‌کنی باید رو به قبله باشی، ‌حدیث لاتعاد هم اخلال به قبله را شامل نمی‌شود چون داخل مستثنیات حدیث لاتعاد است.

بنابراین ما به اطلاق یقضی ما فاته می‌‌توانیم تمسک کنیم.

علاوه بر این‌که خود صحیحه زراره که می‌‌گفت لاصلاة الا الی القبلة اطلاق دارد شامل صلات قضاء می‌‌شود.

پس ما به نظرمان اقض ما فات کما فات قابل استدلال نیست چون حدیث در مورد قصر و تمام است و لکن هم می‌‌توانیم به اطلاق عرفی یقضی ما فاته تمسک کنیم که اطلاق عرفیش اقتضاء می‌‌کند کیفیت قضاء‌ شبیه کیفیت اختیاریه اداء‌ باشد.

[سؤال: ... جواب:] ما در روایات داریم که من نام عن الفریضة یقضی ما فاته، مثلا، ‌من نسی فصلی الفریضة‌ بغیر وضوء یقضی ما فاته. ... عرض می‌‌کنم کیفیت اختیاریه، آنی که ظهور عرفیش است این است که یقضی ما فاته آن کیفیت اختیاریه‌ای که در اداء لازم است باید آن کیفیت اختیاریه در قضاء هم رعایت بشود.

البته یک شرائطی است مربوط به خود مصلی، ربطی به شرائط الصلاة ندارد. خب معلوم است مرد که قضاء می‌‌کند نماز زن را، دیگه نمی‌آید چادر سر کند، ‌صدایش را هم شبیه زن‌ها در بیاورد، حمد و سوره را آهسته بخواند در نماز صبح. این‌ها شرائط المصلی است، این‌ها وظائف المصلی است، ربطی به شرائط و کیفیت صلات ندارد.

[سؤال: ... جواب:] مهم همان دلیل اخیری است که ذکر کردیم که اصلا چه قضاء به امر جدید باشد چه قضاء به امر اول باشد، خود اطلاق لاصلاة الا الی القبلة شامل نماز قضاء هم می‌‌شود. اطلاق دارد، ‌نگفته که اذا دخل الوقت فصل نحو القبلة تا ما بگوییم این مربوط به صلات ادائیه است. نه، عموم لاصلاة الا الی القبلة محکم هست.

اما این‌که بعضی‌ها به حدیث لاتعاد تمسک کردند که روایت می‌‌گوید لاتعاد الصلاة الا من خمس که یکی قبله است، پس قبله شرط نماز است‌ مطلقا و لو نماز قضاء.

نه، این درست نیست. چرا؟ برای این‌که این روایت که در مقام بیان شرائط نماز نیست. این روایت مفروغ‌عنه گرفته یک چیزهایی اجزاء و شرائط نماز هستند، می‌‌خواهد بگوید آن اجزاء و شرائط نماز دو قسم هستند: ‌سنت داریم فریضه داریم، فریضه‌اش این پنج چیز است: قبله، ‌طهور، ‌وقت، ‌رکوع، ‌سجود، سنتش غیر این پنج چیز است. اما این‌که این پنج چیز که هر کجا شرط هستند در نماز یا جزء هستند در نماز فرائض هستند اطلاق حدیث لاتعاد بخواهد بگوید که همه جا هم شرط هستند؟

[سؤال: ... جواب:] صلات که صدق می‌‌کند بر صلات الی غیر القبلة عرفا. لاتعاد نمی‌گوید قبله شرط است در نماز مطلقا چون در مقام بیان شرطیت نیست. لاتعاد می‌‌گوید هرکجا قبله شرط است شرط رکنی است، اما کجا شرط است کجا شرط نیست این‌که در مقام بیان نیست.

مطلب دیگر این است که صاحب عروه فرمود در نماز احتیاط هم قبله شرط است.

خب این هم روشن است. فرق نمی‌کند مبنای ما این باشد که نماز احتیاط جزء نماز اصلی است که ظاهر روایات است‌ یا یک نماز مستقلی است که جبران می‌‌کند نقص نماز اصلی را. فرق نمی‌کند. چه ما بگوییم نماز احتیاط جزء نماز اصلی است مثل قضاء‌ سجده منسیه یا بگوییم یک نماز مستقلی است که جبران می‌‌کند نقص محتمل نماز اصلی را؛ بالاخره عرفا صلاةٌ که با این نماز احتیاط ما می‌‌خواهیم جبران نقص بکنیم در نماز اصلی و لذا کیفیتش ظاهر این است که شبیه همان نماز اصلی باشد.

در صحیحه حلبی می‌‌گوید که اذا لم تدر اثنتین صلیت ‌ام اربعا فتشهد و سلم ثم صل رکعتین فان کنت انما صلیت رکعتین کانت هاتان تمام الاربع و ان کنت صلیت اربعا کانت هاتان نافلة. این ظاهرش این است که اگر واقعا شما نماز اصلیت را دو رکعت خواندی این دو رکعت نماز احتیاط جزء آن نماز اصلی است، کانت هاتان تمام الاربع. ظاهرش این است که جزء نماز اصلی است. ولی اگر هم ما بگوییم نماز مستقل است، ملاکش و حکمتش تدارک نقص محتمل در نماز اصلی است باز عرفا همین است، ‌ظاهرش این است که این جبران کننده همان کیفیت نقص در نماز اصلی را دارد.

بله، مگر دلیل خاص داشته باشیم مثل این‌که دلیل خاص داریم شک بین دو و سه یا شک بین سه و چهار محل بحث است که انسان مخیر است دو رکعت نشسته نماز احتیاط بخواند یا آن‌هایی که شک می‌‌کنند بین دو و سه و چهار. یک رکعت ایستاده می‌‌خوانند، سلام می‌‌دهند بعد دو رکعت نشسته می‌‌خوانند، شک می‌‌کند بین دو و سه و چهار. خب نماز اصلی که ایستاده بود چه جور شد دو رکعت نشسته؟ خب نص خاص داریم. اما اگر نص خاص نداشتیم ظاهرش اتحاد کیفیت است.

این‌که آقای خوئی فرموده که مفهوم احتیاط همین است، احتیاط بکن یعنی کاری بکن که شاید آن نقص نماز اصلی جبران بشود پس باید شرائط نماز اصلی را رعایت کنیم.

لفظ احتیاط که در روایت نیامده که. یک اصطلاحی است در کلمات فقهاء. لفظ احتیاط آمده در روایت اما اینی که ما دیدیم در زن حائض است که بعد از مضی ایام عادت اگر خونش ادامه پیدا کند فاحتط لیوم او یومین یعنی احتیاطا بناء بر حیض می‌‌گذارد. از او تعبیر می‌‌کنند به ایام استظهار، یک روز یا دو روز. ولی در مورد نماز احتیاط ما پیدا نکردیم حالا شاید باشد، ‌ما پیدا نکردیم روایت بگوید این نماز احتیاط است.

[سؤال: ... جواب:] صلات که آمده اما صلات احتیاط در روایات نیامده.

[سؤال: ... جواب:] چون ما احتمال می‌‌دهیم که جابر نقص فریضه باشد و لذا ما یقین نداریم که این نماز احتیاط نافله است تا بعد بگویید در نافله منسوب به مشهور این است که استقبال قبله شرط نیست. بالاخره ما احتمال نقص نماز اصلی را که می‌‌دهیم باید احتیاط کنیم و این جهت را هم مراعات کنیم.

راجع به قضاء جزء منسی هم صاحب عروه گفته استقبال قبله شرط است بل و سجدتی السهو.

اما راجع به قضاء جزء‌ منسی مثل قضاء سجده منسیه یا قضاء تشهد منسی بناء بر قول مشهور که قائلند قضاء تشهد منسی واجب است، وجهش روشن است. وجهش این است که عرفا همان سجده منسیه جایش عوض شده و الا هنوز هم جزء نماز است. من نسی سجدة دارد که یقضی ما فاته بعد از صلات. این ظاهرش این است که همان جزء منسی جایگاهش عوض شد، محل ذکریش در رکعت بود و لکن محل تدارکیش بعد از سلام است و الا جزء نماز است. این ظاهر ادله است. و لذا عمدا کسی بین سلام نماز و قضاء سجده منسیه منافیات نماز را مرتکب بشود نمازش باطل می‌‌شود. وقتی جزء نماز بود لاصلاة الا الی القبلة بر او صادق است.

اما راجع به استقبال قبله در سجده سهو، خب ایشان ظاهرش این است که فتوی می‌‌دهد ولی در بحث خودش احتیاط واجب کرده. می‌‌گوید و ان کان فی وجوب ما عدی ما یتوقف علیه اسم السجود نظرٌ. عروة الوثقی محشی جلد 3 صفحه 303.

به نظر ما احتیاط در استقبال قبله در سجده سهو احتیاط مستحب است. چون سجده سهو جزء نماز نیست. خود صاحب عروه در آن بحث سجده سهو گفته عمدا هم ترک کنی سجده سهو را نمازتان باطل نمی‌شود. یک واجب مستقلی است.

از کجا می‌‌گویید واجب مستقل است؟ مگر ظاهر امر به شیء در ضمن مرکب یا اول مرکب یا آخر مرکب در ارشاد به جزئیت نیست؟ دارد یسلّم ثم یسجد سجدتی السهو. صاحب منتقی الاصول گفته‌اند به چه دلیل شما می‌‌گویید سجده سهو جزء نماز نیست؟ خلاف آن کبری اصولی دارید حرف می‌‌زنید که ظاهر امر به شیئی در مرکب ارشاد به جزئیت است.

می‌گوییم بر فرض ما آن کبری را قبول کنیم اینجا قرینه بر خلاف داریم. قرینه بر خلاف این است که در روایت دارد که سماهما رسول الله صلی الله علیه و آله بالمرغمتین. پیامبر نام دو سجده سهو را گذاشت مرغمتین لارغام انف الشیطان بهما. چون و ما انسانیه الا الشیطان، السهو من الشیطان، می‌‌خواهد از ذکر خدا ما غافل بشویم. انما یرید الشیطان، تا اینجا می‌‌رسد که و یصدکم عن ذکر الله، شیطان می‌‌خواهد ما فراموش کنیم یاد خدا را، ما را به سهو می‌‌اندازد. ما هم بعد از نماز دو سجده می‌‌کنیم به لج شیطان رجیم.

خدا رحمت کند محقق اصفهانی را! آقازاده ایشان نقل می‌‌کرد می‌‌گفت می‌‌رفت حرم که مشرف می‌‌شد، دوبار عتبه را می‌‌بوسید، بار اول که می‌‌بوسید هیچ، بار دوم هم می‌‌گفت این هم به لج شریعت سنگلجی؟؟ که آن آخوند روشنفکر که در آن زمان حرف‌های عجیب و غریبی می‌‌زد.

خلاصه دو سجده سهو هم به لج شیطان رجیم و اتباعش [است].

[سؤال: ... جواب:] ظهور ندارد در ارشاد به جزئیت با این مناسبتی که هست. خب وقتی عمل مستقل شد، خود صاحب عروه می‌‌گوید عمدا هم ترکش کنیم نماز باطل نمی‌شود، پس جزء نماز نیست. وقتی جزء‌ نماز نبود به چه دلیل استقبال قبله شرط است؟ لاصلاة الا الی القبلة اما لا سجدتی السهو الا الی القبلة که نداریم.

بله، یک روایتی است، دارد صلی بنا رسول الله صلی الله علیه و آله الظهر خمس رکعات فقال له بعض القوم یا رسول الله! هل زید فی الصلاة شیء قال و ماذا؟ قال صلیت بنا خمس رکعات قال فاستقبل القبلة و کبّر و هو جالس و سجد سجدتین لیس فیها قراءة و لا رکوع ثم سلم و کان یقول هما المرغمتان. روایت می‌‌گوید حضرت سهو کرد، به جای چهار رکعت پنج رکعت خواند، بعد که اصحاب که گفتند حضرت دو تا سجده سهو رو به قبله بجا آورد.

حالا اصل جواب این است که پیامبر بر فرض دو سجده سهو را رو به قبله بجا آورد فوقش دلیل بر استحباب استقبال قبله می‌‌شود در هنگام سجده سهو، ‌ما هم که در استحبابش بحث نداریم، کلام در وجوبش است. فعل پیامبر که دلیل بر وجوب نیست.

اما راجع به اصل روایت، این روایت متضمن غیر از این هست که سهو النبی را بیان می‌‌کند و سهو النبی قول شاذ است، قائل دارد اما خلاف قول شایع هست که معظم امامیه به آن قائلند و در روایت هم داریم ما سجد رسول الله سجدتی السهو قط. ولی بعضی قائلند، شیخ صدوق قائل بود و گفت اگر عمری باشد کتابی خواهم نوشت در اثبات سهو النبی و الائمة. شیخ بهایی هم شوخی کرد گفت الحمدلله که ایشان موفق نشد به نوشتن همچون کتابی. بعد از ایشان صاحب وسائل می‌‌خواهد اثبات کند این مطلب را و در معاصرین صاحب قاموس الرجال یک رساله خطیه‌ای دارد راجع به همین موضوع. ولی مشهور بین امامیه این است که سهو از پیامبر و امام صادر نمی‌شود.

بر فرض ما بگوییم ممکن است پیامبر سهو بکند ولی این‌که نماز پنج رکعت بشود صحیح باشد و فقط سجده سهو داشته باشد، این را کسی قائل نشده. به قول شیخ طوسی این‌که دیگه قطعا شاذ است.

[سؤال: ... جواب:] این‌که یک نفر بگوید یا رسول الله! هل زید فی الصلاة شیء؟ بعد حضرت بگویند و ما ذاک، قال صلیت بنا خمس رکعات و هیچکس چیز دیگری نگوید و امیرالمؤمنین هم که طبق این سند نقل می‌‌کند می‌‌گوید صلی بنا رسول الله الظهر خمس رکعات، ‌حضرت علی هم در این روایت می‌‌گویند پیامبر پنج رکعت نماز خواند. این‌که شما می‌‌فرمایید اگر بناء بود که از قول آن بعض القوم علم پیدا نکردند دیگه نیاز به سجده سهو هم نبود. این خلاف ظاهر این روایت است، ظاهرش این است که پیامبر علم پیدا کردند و سجده سهو بجا آوردند. و این معنا ندارد در نمازی که پنج رکعت انسان می‌‌خواند و لو سهوا نماز باطل است طبق اتفاق امامیه و نصوص خاصه.

آقای خوئی فرمودند این روایت اصلا ضعیف السند هم هست. همه این اشکال‌ها به آن ضمیمه کنید ضعف سند روایت را.

و لکن ما نفهمیدیم این روایت چرا ضعیف السند است؟ در سندش این‌هایی که ما می‌‌بینیم مشکلی ندارند. شیخ طوسی در تهذیب نقل می‌‌کند به اسنادش از سعد بن عبدالله. اسناد شیخ به سعد بن عبدالله صحیح است. سعد بن عبدالله هم که از اجلاء است. عن ابی الجوزاء. ابی الجوزاء منبه بن عبدالله تمیمی است که نجاشی می‌‌گوید صحیح الحدیث، صحیح الحدیث یعنی ثقة دیگه. او نقل می‌‌کند از حسین بن علوان. او نقل می‌‌کند از عمرو بن خالد حناط که نجاشی توثیقش کرده. عمرو بن خالد حناط نقل می‌‌کند از زید بن علی عن آبائه عن علی علیه السلام.

فقط شبهه‌ای که می‌‌ماند این است که آقای خوئی دیده حسین بن علوان توثیق خاص ندارد. ولی خود ایشان در رجال توثیق کرده حسین بن علوان را. هم گفته در رجال تفسر قمی هست و اول دیباجه تفسیر قمی می‌‌گوید من از ثقات نقل می‌‌کنم و هم این‌که نجاشی در ترجمه حسین بن علوان دارد: الحسین بن علوان کوفی عامی و اخوه الحسن یکنی ابامحمد ثقة رویا عن ابی عبدالله. آقای خوئی می‌‌گوید این ثقة ظاهرش این است که به مترجم‌له بر می‌‌گردد نه به حسن بن علوان برادش. او استطرادا ذکر شد، مترجم‌له حسین بن علوان است، ظاهر ثقة این است که به او بر می‌‌گردد.

البته ما این دو وجه را که ایشان ذکر کرده قبول نداریم:

تفسیر قمی که می‌‌گوییم مشتمل است بر جمعی از کتب تفسیر که شخص دیگری غیر از علی بن ابراهیم قمی جمع کرده، از جمله تفسیر قمی هم در آن هست و دیباجه هم معلوم نیست از علی بن ابراهیم قمی باشد، ‌از همان مؤلف این کتاب است که مجهول الحال است. آنجا دارد که ما وصل الینا من ثقات اصحابنا ما نقل می‌‌کنیم.

راجع به کلام نجاشی هم ما بررسی کردیم رجال نجاشی را، ‌این برای ما ثابت نشده که نجاشی در مشابه این موارد ثقة که می‌‌گوید به مترجم‌له بخورد. این‌که آقای خوئی می‌‌گویند ظاهر این است که آنی که محور کلام است که حسین بن علوان است او توثیق بشود، نه، اتفاقا اگر بناء بود او را توثیق کند قبل از و اخوه الحسن یکنی ابامحمد می‌‌گفت، اولش می‌‌گفت ثقة و اخوه الحسن، کما این‌که در کثیری از موارد همین کار را کرده. اگر می‌‌خواهد مترجم‌له را توثیق کند اول می‌آید توثیق می‌‌کند او را بعد می‌‌گوید برادرش فلانی است. مثلا گفته ابراهیم بن ابی بکر ثقة و اخوه اسماعیل، ابراهیم بن محمد الاشعری قمی ثقة و اخوه الفضل، حسن بن حمزة لیثی کوفی ثقة و خاله محمد بن ابی حمزة، داوود بن اسد ثقة ثقة و ابوه اسد. اگر می‌‌خواست توثیق کند خود این حسین بن علوان را هم مثل همین موارد اگر می‌‌آمد توثیق می‌‌کرد حسین بن علوان را بعد می‌‌رفت سراغ برادش.

[سؤال: ... جواب:] در بعضی از این موارد فقط خواسته خود مترجم‌له را توثیق کند بعد می‌‌گوید برادش کیست، خالش کیست، او را توثیق نمی‌کند ولی چون می‌‌خواسته مترجم‌له را توثیق کند اولش گفته ثقة بعد گفته اخوه فلان، خاله فلان اما در حسین بن علوان این کار را نکرد. این نشان می‌‌دهد که نمی‌خواهد حسین بن علوان را توثیق کند، می‌‌خواهد برادرش را توثیق کند.

و لکن ما با توجه به این‌که علامه در رجالش از ابن عقدة نقل کرده، گفته حسن بن علوان کان اوثق من اخیه و احمد عند اصحابنا. ظهور عرفی این‌که بگویند حسن بن علوان اوثق بود از برادرش حسین بن علوان و خود حسن بن علوان واقعا ثقه بوده، ظهور عرفیش این است که می‌‌خواهد توثیق برادرش حسین را هم بکند. این عرفی نیست که بگوییم افعل التفضیل ظهور ندارد در وجود مبدأ. گاهی آدم دو تا بچه کوچک شیرخوار می‌‌گوید کدام‌ها بزرگتر است؟ بله، اینجا قرینه است. ولی اینجا فرض این است که حسن بن علوان ثقه است، بعد می‌‌گوید و حسن بن علوان اوثق بود از حسین بن علوان، خب این ظاهرش این است که حسین بن علوان را هم دارد توثیق می‌‌کند.

راجع به این مطلب بحث روشن شد.

اما ادامه بحث:

صاحب عروه می‌‌گوید در نمازهای مستحب بالعرض مثل این‌که نماز جماعت می‌‌خواهی بخوانی بعد از نماز فرادایی که در خانه خواندی خب معلوم است باید رو به قبله باشی.

اما نماز اموات و نماز آیات:

نماز آیات که روشن است. اطلاق لاصلاة الا الی القبلة می‌‌گیردش.

مهم نماز اموات است که آیا باید رو به قبله باشد یا لازم نیست رو به قبله باشد، ان‌شاءالله فردا بررسی می‌‌کنیم.